

تأثیر سیاست چرخش اجباری حسابرسان بر حق الزحمه حسابرسان، شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران

■ مسعود عزیزخانی*

■ رضا داغانی**

■ مزگان احمدیان***

چکیده

سیاست چرخش اجباری حسابرسان یکی از راهکارهایی است که در برخی از کشورها و از جمله ایران جهت بهبود استقلال حسابرسان و در نتیجه افزایش کیفیت حسابرسان اتخاذ گردیده است. یکی از دلایل مخالفان این است که اجرای چنین سیاستی باعث افزایش در هزینه های حسابرسان شرکتها میگردد. با استفاده از نمونه های از شرکتهای پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۲، این پژوهش به بررسی تأثیر تغییر اجباری و اختیاری حسابرسان بر حق الزحمه حسابرسان می پردازد. نتایج نشان میدهد که سیاست چرخش اجباری حسابرسان سبب افزایش در حق الزحمه حسابرسان نخستین نشده است. نتایج همچنین نشان از افزایش حق الزحمه حسابرسان در شرکتهایی که بطور اختیاری حسابرسان خود را تغییر داده اند، میدهد. بطور کلی، نتایج این پژوهش شواهدی در تایید این ادعا که سیاست چرخش اجباری حسابرسان موجب افزایش در هزینه های حسابرسان می شود، فراهم نمیاورد.

واژگان کلیدی: حسابرسان نخستین، حق الزحمه حسابرسان، سیاست چرخش اجباری حسابرسان، چرخش داوطلبانه حسابرسان.

* استادیار حسابداری دانشگاه ایلام و دانشکده بازرگانی و اقتصاد دانشگاه ملی استرالیا

** دکتری حسابداری، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)

daghani@accountant.com

*** کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات ایلام

۱- مقدمه

نظرات و پیشنهادهای مجامع حرفه‌ای و نیز ناظران حرفه حسابداری و حسابرسی در مورد تغییر حسابرس، جایگاهی ویژه در مباحث مرتبط با استقلال حسابرس و نیز کیفیت حسابرسی در چند سال اخیر به خود اختصاص داده است. به‌طور مثال اداره پاسخگویی دولتی ایالات متحده (۲۰۱۳) و اتحادیه اروپا (۲۰۱۲) به مجادلات بسیاری در مورد تغییر حسابرس پرداخته‌اند. به دنبال الزام سیاست چرخش اجباری حسابرس در سایر کشورها (کره جنوبی، برزیل و اسپانیا)، سیاست چرخش اجباری حسابرسان شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران نیز از ابتدای سال ۱۳۸۷ بکار گرفته شده است. ۱. بر اساس دستورالعمل ارائه‌شده، شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران موظف هستند که حسابرس خود را در هر ۴ سال تغییر داده و اجرای این دستورالعمل از ابتدای سال ۱۳۸۷ الزامی گردیده است. این الزام در جهت ارتقاء استقلال حسابرس و در جهت جلوگیری از ایجاد روابط طولانی میان صاحب‌کار و حسابرس که می‌تواند اثر منفی بر کیفیت حسابرسی داشته باشد، اتخاذ گردیده است. مخالفین چرخش اجباری حسابرس به اثرات منفی این سیاست بر حق الزحمه حسابرسی اشاره میکنند. این پژوهش به بررسی آثار چرخش اجباری حسابرس بر هزینه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد.

موضوع طول دوره تصدی حسابرسی و چگونگی تأثیر آن بر کیفیت حسابرسی یکی از مباحث چالشی میان حسابرسان، قانون‌گذاران و نهادهای حرفه‌ای در دنیای توسعه‌یافته است. طرفداران سیاست اجباری چرخش حسابرس معتقدند که حسابرس جدید قادر به ارائه یک «نگاه تازه»^۲ به فرآیند حسابرسی می‌باشد. علاوه بر این، در صورت عدم وجود سیاست چرخش اجباری، حسابرس درآمد حاصل از حسابرسی صاحب‌کار را به عنوان منبع دائمی درآمد خود میداند که این موضوع می‌تواند باعث خدشه در استقلال حسابرس و در نتیجه کیفیت حسابرسی گردد. در نقطه مقابل، مخالفان سیاست چرخش اجباری اعتقاد دارند که چنین سیاستی باعث کاهش در کیفیت حسابرسی شده زیرا که فقدان شناخت قبلی و کافی از صاحب‌کار در حسابرسی نخستین باعث تأثیر منفی بر کیفیت حسابرسی می‌گردد (انجمن حسابرسان آمریکا ۱۹۹۷، کمیسیون بورس اوراق بهادار ۲۰۰۰، اداره حسابرسی ملی آمریکا ۲۰۰۳). در نتیجه، سرمایه‌گذاری حسابرس جدید در کسب این شناخت اولیه باعث افزایش در حق الزحمه حسابرسی می‌گردد. کشورها رویکردهای مختلفی را برای محدود نمودن طول دوره تصدی حسابرسی اتخاذ نموده‌اند. در کشورهایی مانند آمریکا و استرالیا سیاست چرخش اجباری شرکاء حسابرسی (هر ۵ سال) و در کره جنوبی (هر ۶ سال)، سنگاپور و اسپانیا (هر ۹ سال)، برزیل (هر ۳ سال) و ایران (هر ۴ سال) سیاست چرخش اجباری موسسه حسابرسی را الزامی نموده‌اند. همچنین اخیراً اتحادیه اروپا سیاست چرخش اجباری موسسه حسابرسی (هر ۱۰ سال) را الزامی نموده است. در آمریکا هنوز در مورد کارایی سیاست اجباری چرخش شرکاء حسابرسی بحث و مجادلات بسیاری وجود دارد. ۴. بنابراین با وجود نگرانی‌هایی که در خصوص تأثیر منفی سیاست چرخش اجباری موسسه حسابرسی بر کیفیت حسابرسی وجود دارد، ولی کماکان تقاضا برای اجرای

چنین سیاستی وجود دارد.

پژوهشهای پیشین به بررسی ارتباط میان طول دوره تصدی حسابرسی و کیفیت حسابرسی پرداخته و نتایج مختلفی را در این خصوص فراهم آورده‌اند. با این وجود تاکنون پژوهشهای اندکی به بررسی اثر سیاست چرخش اجباری حسابرسی بر هزینه حسابرسی پرداخته‌اند. استفاده از داده‌های شرکتهای پذیرفته‌شده در بورس و اوراق بهادار تهران که سیاست اجباری چرخش حسابرسان از سال ۱۳۸۷ در آن الزامی گردیده است، به این پژوهش این امکان میدهد تا به بررسی تأثیر اجرای چنین سیاستی بر حق الزحمه حسابرسی شرکتهای بپردازد. نتایج این پژوهش می‌تواند به گسترش ادبیات موجود در مورد پیامدهای اجرای چرخش اجباری حسابرسان کمک نماید. به‌طور مشخص، این پژوهش یکی از اولین پژوهشهایی است که به بررسی تأثیر اجرای چنین سیاستی بر حق الزحمه حسابرسی در ایران می‌پردازد.

۲- مبانی نظری، پیشینه و فرضیه پژوهش

موضوع طول دوره تصدی حسابرسی و چگونگی تأثیر آن بر کیفیت حسابرسی سالهاست که مورد مناقشه سازمانها و نهادهای نظارتی، حسابرسان و سرمایه‌گذاران بوده است. طرفداران الزام سیاست اجباری چرخش اجباری حسابرس به دلایل زیر برای موافقت خود با چنین سیاستی اشاره می‌نمایند. (۱) دوره تصدی بلندمدت حسابرسی احتمال ایجاد روابط نزدیک میان حسابرس و مدیریت را افزایش داده که ممکن است باعث خدشه در استقلال حسابرس و در نتیجه کاهش در کیفیت حسابرسی گردد (ترنر ۵۲۰۱، آرل و همکاران ۲۰۰۵). (۲) محدود نبودن طول دوره تصدی ممکن است باعث تغییر انگیزه حسابرس از ارتقاء کیفیت حسابرسی به سمت حفظ و کسب سود از صاحب‌کار گردد. مزایای خاص صاحب‌کار که فقط در طی زمان برای حسابرس ایجاد میشود، ممکن است باعث ایجاد وابستگی مالی حسابرس به صاحب‌کار شده و در نتیجه باعث کاهش استقلال حسابرس گردد (دی آنجلو ۱۹۸۱، ۷). (۳) با افزایش طول دوره تصدی حسابرسی، ممکن است فرآیند حسابرسی به فرایندی تکراری تبدیل شده و حسابرسان به‌جای ارزیابی و بررسی موارد ادعا شده در صورتهای مالی به پیشبینی نتایج رسیدگیهای خود با توجه به نتایج رسیدگیهای سنوات قبل پرداخته و یا از روشهای رسیدگی عادی و تکراری ناکارآمد استفاده نمایند (گیتزمن و سن ۲۰۰۲، اداره پاسخگویی دولتی آمریکا ۸۲۰۰۸، آرل و همکاران ۲۰۰۵). (۴) سیاست چرخش اجباری حسابرسان باعث افزایش رقابت در بازار خدمات حسابرسی شده و این رقابت می‌تواند براساس کیفیت و قیمت خدمات حسابرسی باشد (کاوان و همکاران ۲۰۱۴، پتی و کاگنسن ۱۹۹۶ و هابلی ۱۱ ۱۹۷۸). این افزایش رقابت موجب میشود که بازار خدمات حسابرسی از انحصار موسسه‌های بزرگ خارج شده و فرصت رشد برای موسسه‌های متوسط و کوچک فراهم گردد. (۵) این سیاست می‌تواند باعث جلوگیری از زیانهای هنگفت ناشی از عدم توانایی حسابرسان در کشف و گزارش موارد تحریف صورتهای مالی در رسواییهای مالی اخیر

مانند انرون و ورلدکام شود. به‌طور مثال، مورگان استنلی ۱۲ میزان زیان ناشی از رسوایی‌های مالی در آمریکا را در حدود ۴۶۰ میلیارد دلار برآورد نموده که در مقایسه با ۱۰ میلیارد دلار هزینه حسابرسی موسسه‌های بزرگ بین‌المللی حسابرسی رقم ناچیزی است. آنها بر این باور هستند که حتی اگر اجرای چنین سیاستی منجر به افزایش هزینه حسابرسی گردد، این افزایش در مقابل زیان‌های احتمالی که در اثر افزایش در کیفیت حسابرسی قابل پیشگیری است، قابل چشم‌پوشی است (هیلی و کیم، ۱۳، ۲۰۰۳).

در نقطه مقابل، مخالفین سیاست چرخش اجباری حسابرس به دلایل زیر برای ابراز مخالفت خود استناد می‌کنند:

۱) حسابرسان جدید ممکن است به دلیل عدم شناخت کافی از صاحب‌کار و سیستم گزارشگری آن، قادر به کشف موارد ایراد در صورتهای مالی صاحب‌کار نباشد. ۱۴. افزایش شناخت حسابرسان از محیط واحد تجاری با افزایش طول دوره تصدی باعث ایجاد یک مزیت رقابتی برای حسابرسان در کشف موارد ایراد با اهمیت مندرج در صورتهای مالی شده که می‌تواند موجب افزایش کیفیت حسابرسی گردد (آرل و همکاران، ۲۰۰۵، ۱۵). چنین سیاستی ممکن است باعث افزایش در هزینه‌های اولیه حسابرسان ۱۶ و افزایش ریسک قصور حسابرسان در عدم کشف موارد اشتباه در صورتهای مالی به دلیل اتکا بیش از حد حسابرسان به برآوردها و اطلاعات ارائه‌شده توسط مدیریت گردد. علاوه بر این به دلیل از بین رفتن دانش کسب شده توسط حسابرسان قبلی (حسابرسان سنوات قبلی) و پیچیدگی محیط گزارشگری مالی، کسب شناخت لازم برای حسابرسان جدید جهت ارائه حسابرسان با کیفیت بالا ممکن است مستلزم سپری شدن چندین سال باشد (چانگ، ۲۰۰۴، کاون و همکاران، ۲۰۱۴).

پژوهشهای زیادی تاکنون به بررسی تأثیر طول دوره تصدی حسابرسان بر کیفیت حسابرسان و کیفیت گزارشگری مالی پرداخته‌اند (نظیر دیس و جیروکس، ۱۷۱۹۹۲، نسترالین، ۲۰۰۰، داویس و همکاران، ۲۰۰۱، ۱۹، دوپاچ و همکاران، ۲۰۰۱). این تحقیقات به نتایج واحدی دست نیافته و با توجه به شرایط قانونی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور مورد مطالعه، نتایج متفاوتی را به همراه داشته‌اند. بطور مثال دیس و جیروکس (۱۹۹۲) در بررسی گزارشهای کیفیت حسابرسان دریافتند که کیفیت حسابرسان با افزایش طول دوره تصدی حسابرسان کاهش پیدا می‌کند. ونسترالین (۲۰۰۰) نشان داد که دوره بلندمدت تصدی حسابرسان به میزان زیادی شانس صدور گزارش مقبول حسابرسان را افزایش می‌دهد (کاهش تمایل حسابرسان برای صدور گزارش حسابرسان مشروط). داویس و همکاران (۲۰۰۰) نشان دادند که در شرکت‌های با طول دوره حسابرسان بلندمدت، استفاده از اقلام تعهدی غیرعادی برای مدیریت سود بیشتر است. با این وجود، دوپاچ و همکاران (۲۰۰۱) پیشنهاد نمودند که سیاست چرخش اجباری حسابرسان می‌تواند باعث ارتقاء استقلال حسابرسان از طریق محدود نمودن پدیده نرخ شکنی جهت استفاده از درآمدهای مرتبط با قراردادهای آتی با صاحب‌کار گردد. اما در پژوهشهای بعدی نتایج متفاوتی ارائه شده است. نتایج برخی پژوهشها نشان می‌دهد که بسیاری از قصور حسابرسان و دعاوی حقوقی علیه حسابرسان در سالهای اولیه طول دوره تصدی حسابرسان روی می‌دهد (استیس، ۲۰

۱۹۹۲). بطور مثال گایگر و راگوناندان (۲۰۰۴) نشان دادند که افزایش طول دوره تصدی حسابرسی باعث افزایش در کارایی حسابرسان در جمع آوری و ارزیابی شواهد حسابرسی می‌گردد. علاوه براین، کارسلو و ناگی (۲۰۰۴) نشان دادند که احتمال وقوع گزارشگری متقلبانه در سالهای اولیه دوره تصدی حسابرسی (۳ سال اول) بالاتر بوده و بین وجود گزارشگری متقلبانه و دوره بلنمدت تصدی حسابرسی (بیش از ۷ سال) ارتباطی وجود ندارد. بطور خلاصه، اگر چه نتایج پژوهشهای اخیر نشان دهنده تأثیر مثبت طول دوره تصدی حسابرسی بر کیفیت حسابرسی بوده ولی پژوهشهایی هم وجود دارد که نشان از کاهش کیفیت حسابرسی دارد. با این وجود، نکته مشترک در میان پژوهشهای قبلی این است که آنها در شرایط عدم وجود سیاست چرخش اجباری حسابرس انجام گرفته‌اند. لذا تعمیم نتایج آنها به شرایط دارای چرخش اجباری حسابرس باید با احتیاط صورت گیرد.

در خصوص چگونگی تأثیر چرخش اجباری حسابرس بر حق الزحمه حسابرسی نظریه‌های مختلفی مطرح شده است، ولی شواهد تجربی چندانی در این زمینه وجود ندارد. موافقین سیاست چرخش اجباری حسابرس به افزایش رقابت در کیفیت ارائه خدمات حسابرسی میان حسابرسان اشاره می‌کنند (هایلی ۱۹۷۸ و پتی و کاگنسان ۱۹۹۶). بنابراین انتظار می‌رود که رقابت میان حسابرسان برای ارائه خدمات حسابرسی بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر داشته باشد و ممکن است موسسه‌های حسابرسی مبالغ کمتری را برای انجام حسابرسی اولیه پیشنهاد دهند. دی‌آنجلو (۱۹۸۱) معتقد است که وجود منحنی یادگیری ۲۵ در حسابرسی ممکن است منجر به پدیده نرخشکنی (قیمت پایینتر از نرخ معمول) در قراردادهای اولیه حسابرسی گردد. دیس و جیروکس (۱۹۹۶) و دسیر و همکاران (۲۰۱۳) شواهدی در خصوص حق الزحمه پایینتر در حسابرسی نخستین قبل و بعد از قانون ساربنس اکسلی ارائه نمودند. در ایران، عزیزخانی و آقابگی (۱۳۹۲) نشان دادند که بین حسابرسی نخستین و حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبتی وجود دارد.

مخالفان سیاست چرخش اجباری حسابرسان بر این باور هستند که یکی از تبعات مستقیم اجرای چنین سیاستی افزایش هزینه حسابرسی است. این افزایش در هزینه حسابرسی ناشی از عدم آشنایی حسابرس جدید با محیط تجاری صاحب‌کار و ضرورت کسب این شناخت در حسابرسی نخستین است (پتی و کاگنسان ۱۹۹۶، الری ۲۶ ۱۹۹۶). کسب این شناخت باعث افزایش ساعت کار حسابرسی و در نتیجه افزایش هزینه حسابرسی نخستین خواهد شد. علاوه بر این، چنین سیاستی موجب میشود که دانش بدست آمده حسابرس از حسابرسیهای قبلی، بعنوان مزیت رقابتی حسابرس، از بین رود (آراونادا و پاز آرس ۲۷ ۱۹۹۷). نتایج یک بررسی نشان داده است هزینه حسابرسی نخستین یک صاحب‌کار جدید دارای دانش خاص صنعت ۱۵٪ و بدون آن ۲۵٪ بالاتر است (باکونی ۲۸ ۲۰۰۲). اداره پاسخگویی دولتی آمریکا در سال ۲۰۰۳ اعلام نمود که براساس پیشبینی موسسه‌های بزرگ بینالمللی حسابداری، هزینه‌های حسابرسی نخستین ناشی از سیاست چرخش اجباری به میزان ۲۰٪ بیشتر از سالهای آتی دوره تصدی خواهد بود. بر اساس برآوردی در شرکت‌های برتر بورسی آمریکا، هزینه انتخاب حسابرس جدید بالغ بر ۱۷٪ هزینه حسابرسی نخستین خواهد بود (اداره حسابرسی

دولتی آمریکا، ۲۰۰۳). نتیجه پژوهش کاون و همکاران (۲۰۱۴) در کره جنوبی که دارای سیاست چرخش اجباری برای موسسه های حسابرسی است، نشان داده است که اجرای چنین سیاستی باعث افزایش در ساعات کار حسابرسی و نیز هزینه حسابرسی گردیده است.

۳- فرضیه پژوهش

با توجه به وجود نظریه های مختلف و همچنین نتایج متفاوت پژوهش های پیشین، در فرضیه زیر به آزمون نظریه افزایش حق الزحمه حسابرسی ناشی از اجرای سیاست چرخش اجباری حسابرس و حق الزحمه حسابرسی پرداخته می شود:

”بین تغییر حسابرسی ناشی از سیاست چرخش اجباری و حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.“

۴- روش پژوهش

در این پژوهش همانند پژوهش های گذشته (هانگ و همکاران ۲۰۰۹، کاون و همکاران ۲۰۱۴) از مدل رگرسیون چندمتغیره زیر برای آزمون فرضیه ی پژوهش استفاده شده است:

$$\ln AFA_{it} = \alpha + \beta_1 FSWITCH_{it} + \beta_2 VSWITCH + \beta_3 Size_{it} + \beta_4 REC + \beta_5 INV_{it} + \beta_6 CR_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \beta_8 ROA_{it} + \beta_9 IAO_{it} + \beta_{10} LOSS_{it} + \beta_{11} Peak_{it} + \beta_{12} RESTATE + \beta_{13} \sum Industry_i + \beta_{14} \sum Year_i + it$$

که در آن:

LnAF: لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی؛

FSWITCH: در صورتی که تغییر حسابرس بعد از ۴ سال ناشی از چرخش اجباری باشد ۱،

در غیر این صورت ۰؛

VSWITCH: برابر ۱ در صورتی که تغییر حسابرس بصورت اختیاری بوده، در غیر این صورت ۰؛

SIZE: لگاریتم طبیعی جمع دارایی ها در پایان سال مالی؛

REC: نسبت جمع حساب های دریافتنی به جمع دارایی ها؛

INV: نسبت موجودی مواد و کالا به جمع دارایی ها؛

FGN: نسبت میزان پیش پرداخت خارجی شرکت به جمع دارایی ها؛

CR: نسبت جمع دارایی های جاری به بدهی های جاری؛

LEV: نسبت اهرمی (نسبت جمع بدهی ها به جمع دارایی ها)؛

ROA: نسبت سود عملیاتی به جمع دارایی‌ها؛

IAO: برابر ۱ در صورتی که حسابرس سازمان حسابرسی باشد، در غیر اینصورت ۰؛

LOSS: برابر ۱ در صورتی که شرکت در سال مالی زیان گزارش کرده باشد، در غیر اینصورت ۰،

RESTATE: میزان تعدیلات سنواتی در طی سال مالی؛

Peak: برابر ۱ در صورتی که پایان سال مالی شرکت ۲۹ اسفند بوده، در غیر اینصورت ۰؛

Industry: متغیرهای مصنوعی مرتبط با صنعت مورد فعالیت صاحب کار؛

Year: متغیرهای مصنوعی مشخص کننده سال مورد بررسی؛

متغیر وابسته پژوهش حق الزحمه حسابرسی است که صاحب کار در صورتهای مالی اقدام به افشا آن نموده است.

متغیرهای مستقل مورد نظر در این پژوهش، حسابرسی نخستین ناشی از اجرای سیاست چرخش اجباری حسابرس (تغییر حسابرس بعد از ۴ سال دوره تصدی) است. با توجه به الزامی شدن تغییر موسسه حسابرسی بعد از ۴ سال که از اول سال ۱۳۸۷ شروع شده است، بنابراین پیش بینی میشود اولین تغییر حسابرس ناشی از این دستورالعمل در سال ۱۳۹۱ باشد. در صورتی که اجرای چنین سیاستی باعث تغییر در حق الزحمه حسابرسی شده باشد، آنگاه مطابق فرضیه پژوهش رابطهای مثبت و معنادار بین این متغیر و حق الزحمه پیش بینی میگردد.

در این پژوهش و بر اساس پژوهشهای متعدد پیشین در زمینه عوامل موثر بر حق الزحمه حسابرسی، متغیرهایی برای کنترل اندازه، پیچیدگی عملیات، ساختار مالی، سودآوری، نقدینگی، ریسک، ساختار مالکیت، نوع اظهار نظر حسابرسی، فصل شلوغی کار حسابرسی، نوع صنعت و سال مالی در مدل پژوهش لحاظ گردیده‌اند (هی و همکاران ۲۰۰۶، هانگ و همکاران ۲۰۰۹، عزیزخانی و آقایی ۱۳۹۲). از لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌ها برای سنجش اندازه شرکت استفاده شده است. در پژوهشهای گذشته (سیمونیک ۱۹۸۰، دی فوند و همکاران ۲۰۰۰، هی و همکاران ۲۰۰۶) نشان داده شده است که شرکتهای بزرگتر به دلیل داشتن حجم معاملات بیشتر و مانده حسابهای بزرگتر، نیازمند زمان بیشتری برای رسیدگی هستند. علاوه بر این، شرکتهای بزرگتر بیشتر مشمول بررسی و نظارت جامعه بوده و در نتیجه دارای هزینه‌های نمایندگی و سیاسی بالاتر و ریسک بالاتری برای حسابرسی هستند (کانگهام ۲۰۰۹). بنابراین انتظار میرود که بین این دو متغیر رابطه مثبتی وجود داشته باشد. نایمی (۲۰۰۲) نشان داد که حتی با محدود بودن ریسک حقوقی، ریسک تجاری صاحب کار بر حق الزحمه حسابرسی تأثیرگذار است. بر این اساس در این پژوهش همانند پژوهش نایمی (۲۰۰۲)، از متغیر سودآوری (ROA) و اهرم مالی (LEV) برای اندازه گیری ریسک تجاری صاحب کار استفاده شده است. نتایج پژوهشهای پیشین در خصوص نوع ارتباط میان این دو متغیر و حق الزحمه حسابرسی متفاوت است. نتایج برخی پژوهشها نشان دهنده ارتباط مثبت میان این متغیرها بوده (نایمی ۲۰۰۲) و برخی دیگر رابطه منفی بین آنها را نشان داده‌اند (کراس ول و فرانسس ۱۹۹۹). بر این اساس، این پژوهش پیشبینی در خصوص جهت رابطه میان این متغیرها

انجام نمیدهد. برای اندازه گیری سودآوری از متغیر بازده دارایی ها (ROA) و گزارش زیان ($LOSS$) استفاده شده است. از متغیر نسبت جاری (CR) به عنوان معیار نقدینگی شرکت استفاده شده است. نتایج برخی پژوهشها نشان میدهد که با کاهش نقدینگی شرکت، ریسک شرکت افزایش و در نتیجه حق الزحمه حسابرسی افزایش خواهد یافت (هی و همکاران ۲۰۰۶). اما در برخی پژوهشها در ایران بین نسبت جاری و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری گزارش نشده است (طبری و همکاران ۱۳۹۰). از این رو در این پژوهش در مورد جهت ارتباط میان این دو متغیر پیشبینی انجام نشده است. در این پژوهش برای اندازه گیری پیچیدگی عملیات و مطابق پژوهشهای قبلی (هی و همکاران ۲۰۰۶، تینگاراد و کایرتز ۲۰۰۸) از نسبت مجموع موجودی کالا به دارایی ها (INV)، پیش پرداخت خارجی (FGN) و نسبت حساب های دریافتنی به جمع دارایی ها (REC) استفاده شده و انتظار می رود که رابطه مثبتی میان این متغیرها و حق الزحمه حسابرسی وجود داشته باشد.

هوانگ و همکاران (۲۰۰۹) نشان دادند که حق الزحمه حسابرسی در شرکتهای دارای تجدید ارایه صورتهای مالی بدلیل افزایش حجم رسیدگی های لازم حسابرسی، افزایش می یابد. بر این اساس در این پژوهش از متغیر $RESTATE$ استفاده شده و پیش بینی می شود که بین این متغیر و حق الزحمه حسابرسی ارتباط مثبتی وجود داشته باشد.

در این پژوهش همچنین از متغیر نوع حسابرس (IAO) برای حسابرسیهای انجام شده توسط سازمان حسابرسی استفاده شده است. پژوهشهای پیشین نشان دادهاند که بین اندازه (اعتبار) موسسه حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی ارتباط مثبتی وجود دارد (رجبی و خشویی ۱۳۸۷، عزیزخانی و آقابگی ۱۳۹۲). از اینرو، پیش بینی میگردد که بین این متغیر و حق الزحمه حسابرسی، رابطهای مثبت وجود داشته باشد. علاوه بر این از متغیر ($PEAK$) برای کنترل اثر فصل کار حسابرسی بر حق الزحمه استفاده شده است. از آنجا که پایان سال مالی عمده شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ۲۹ اسفند ماه بوده (عزیزخانی و آقابگی ۱۳۹۲)، لذا از این متغیر برای شناسایی شرکتهایی که پایان سال مالی آنها ۲۹ اسفند ماه است، استفاده شده و انتظار می رود که بین این متغیر و حق الزحمه حسابرسی رابطهای مثبت وجود داشته باشد. همچنین در بررسی عوامل موثر بر حق الزحمه ی حسابرسی، کنترل اثر نوع صنعت به دلیل تفاوت های موجود میان صنایع از نظر قوانین و مقررات و سطوح ریسک (جاب و همکاران ۱۹۹۶) و نیز کنترل سال مالی (کنترل اثر تغییرات در نرخ تورم) ضروری است. از اینرو، از متغیرهای کنترلی نوع صنعت (بر اساس تقسیم بندی صنایع توسط بورس اوراق بهادار تهران) و سال مالی در مدل پژوهش استفاده شده است.

۵- نمونه پژوهش و روش جمع آوری داده ها

برای جمع آوری داده های مورد نیاز این پژوهش، پس از حذف شرکت های فعال در صنایع مالی، بانکی و بیمه به دلیل ساختار مالی و گزارشگری متفاوت، نمونه این پژوهش شامل کلیه شرکت هایی است که در فاصله زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ در بورس و اوراق بهادار تهران فعالیت داشته و اطلاعات مورد نیاز برای برآورد مدل پژوهش از صورتهای مالی آنها در دسترس و نیز قابل استخراج بوده است. نمونه نهایی این پژوهش شامل ۹۸۶ سال- شرکت است و اطلاعات مورد نیاز پژوهش از صورتهای مالی، یادداشتهای همراه و گزارشهای حسابرسی سالانه شرکت های پذیرفته شده، بانک اطلاعاتی مدیریت پژوهش توسعه و مطالعات سازمان بورس و اوراق بهادار استخراج و جمع آوری گردیده است. پس از جمع آوری نمونه پژوهش، اقدام به تفکیک شرکتها براساس تغییر اجباری (چنانچه حسابرس جدید جایگزین حسابرس قبلی شده باشد که دارای ۴ سال دوره تصدی حسابرسی پیوسته شرکت بوده) و تغییر اختیاری حسابرس (هرگونه تغییر حسابرس قبل از اتمام ۴ سال دوره تصدی) شده است.

۶- آمار توصیفی

طبق آمار توصیفی نمونه پژوهش در جدول (۱)، از ۱۲ درصد شرکت هایی که در طی دوره پژوهش تغییر حسابرس داشته اند، ۴ درصد دارای بصورت اجباری و ۸ درصد نیز بصورت اختیاری حسابرس خود را تغییر داده اند. از آنجا که بر اساس دستورالعمل تغییر اجباری، سال ۱۳۹۱ بعنوان اولین سال چرخش اجباری است، لذا این میزان تغییر اجباری حسابرس قابل توجیه است. ۲۹.

جدول (۱) خلاصه آمار توصیفی برای شرکت های نمونه پژوهش

N=۹۸۶					
variable	mean	sd	median	min	max
CR	۱/۳۴	۱/۴۷	۱/۱۲	-۰/۳	۲۵/۵۶
REC	-۰/۲۸	-۰/۱۷	-۰/۲۸	۰	-۰/۸۹
INV	-۰/۲۳	-۰/۱۶	-۰/۲۲	۰	-۰/۸۵
FGA	-۰/۰۳	-۰/۰۵	-۰/۰۱	۰	-۰/۰۸
LEV	-۰/۸۲	۰/۸	-۰/۶۷	-۰/۰۲	۸/۲۹
ROA	-۰/۳۳	-۰/۳۲	-۰/۲۷	-۰/۱۸	۱/۲۴
IAO	-۰/۱۶	-۰/۳۷	۰	۰	۱
LOSS	-۰/۲۱	-۰/۴۱	۰	۰	۱
PEAK	-۰/۷۳	-۰/۴۳	۱	۰	۱
SIZE	۲۳۹x۱۰ ^۵	۱۲۳x۱۰ ^۵	۳۵۰x۱۰ ^۵	۱۵۵۳۷	۲۶۶۰x۱۰ ^۵
Fswith	-۰/۰۴	-۰/۱۹	۰	۰	۱
Vswitch	-۰/۰۸	-۰/۲۷۶	۰	۰	۱
fee	۴۳۹/۹	۴۷۷/۴	۳۰۸	۳۲/۴	۵۴۹۶

همچنین میانگین جمع دارایی ها برابر ۲۳۹،۲ میلیون ریال، میانگین اهرم مالی ۰،۸۲ نسبت موجودی کالا به جمع دارایی ها ۰،۲۳، میزان پیش پرداختهای خارجی حدود ۳ درصد و نسبت مطالبات تجاری (بدهکاران تجاری) به جمع دارایی ها نیز ۰،۲۸ است. در حدود ۲۱٪ از شرکتها در طی دوره پژوهش زیان گزارش نمودند. حسابرسی ۱۶٪ از شرکتها توسط سازمان حسابرسی بوده و تاریخ ترازنامه ۷۳٪ شرکتها منتهی به ۲۹ اسفند است. همچنین میانگین و میانه حق الزحمه حسابرسی به ترتیب ۴۳۹،۹۰ و ۴۷۷،۴ میلیون ریال در صورتهای مالی گزارش شده است.

در جدول ۲ به بررسی همبستگی پیرسن بین متغیرهای پژوهش پرداخته شده است. همانطور که نشان داده شده است همبستگی معناداری بین حق الزحمه حسابرسی و تغییر حسابرس (اجباری و اختیاری) وجود ندارد. همبستگی بین حق الزحمه و سودآوری، نوع حسابرس، تاریخ گزارشگری و اندازه شرکت مثبت و معنادار است. از طرف دیگر، همبستگی بین حق الزحمه و نسبت جاری، موجودی کالا، اهرم مالی و گزارش زیان، منفی و معنادار است. بررسی همبستگی میان متغیرهای مستقل نشان میدهد که بهجز همبستگی بین جمع دارایی ها و موجودی کالا (۰،۴۵) و اهرم مالی (۰،۴۹)، همبستگی بالایی میان سایر متغیرها وجود ندارد که نشان دهنده عدم وجود خود همبستگی میان متغیرهای مستقل باشد.

جدول (۲) ماتریس همبستگی پیرسن بین متغیرهای پژوهش

	fee	CR	REC	INV	FGA	LEV	ROE	LAO	LOSS	SIZE	FS	VS
fee	۱											
CR	-.۰۷۷*	۱										
	(.۰۱۵)											
REC	-.۰۲۲	-.۰۰۹	۱									
	(.۴۹۱)	(.۷۶۱)										
INV	-.۰۹۲**	-.۱۵۱**	-.۰۵۷	۱								
	(.۰۰۴)	(.۰۰۰)	(.۰۷۴)									
FGA	.۰۴۲	-.۰۵۵	-.۰۸۳**	.۱۱۹**	۱							
	(.۱۸۳)	(.۰۸۳)	(.۰۰۹)	(.۰۰۰)								
LEV	-.۰۸۵**	-.۳۰۰**	.۰۰۸	.۲۳۶**	.۰۰۴	۱						
	(.۰۰۷)	(.۰۰۰)	(.۸۰۵)	(.۰۰۰)	(.۸۸۷)							
ROE	.۰۸۱*	-.۰۴۷	-.۰۸۹**	.۱۱۹**	.۰۷۱*	-.۱۱۳**	۱					
	(.۰۱۰)	(.۱۳۹)	(.۰۰۵)	(.۰۰۰)	(.۰۲۵)	(.۰۰۰)						
LAO	.۳۱۳**	-.۰۶۰	-.۰۷۳*	-.۰۱۴	-.۰۰۷	-.۰۹۳**	-.۰۷۰*	۱				
	(.۰۰۰)	(.۰۵۸)	(.۰۲۲)	(.۶۶۶)	(.۸۲۲)	(.۰۰۴)	(.۰۲۶)					
LOSS	-.۱۴۷**	-.۱۷۱**	-.۰۷۱*	.۲۰۲**	-.۰۴۳	.۴۹۲**	-.۲۶۵**	-.۱۱۵**	۱			
	(.۰۰۰)	(.۰۰۰)	(.۰۲۶)	(.۰۰۰)	(.۱۷۷)	(.۰۰۰)	(.۰۰۰)	(.۰۰۰)				
SIZE	.۴۴۹**	.۱۲۱**	-.۰۶۸*	-.۴۵۷**	-.۱۰۲**	-.۲۹۷**	.۰۵۱	.۱۴۱**	-.۳۴۱**	۱		
	(.۰۰۰)	(.۰۰۰)	(.۰۲۲)	(.۰۰۰)	(.۰۰۱)	(.۰۰۰)	(.۱۱۲)	(.۰۰۰)	(.۰۰۰)			
FS	-.۰۳۴	-.۰۰۷	-.۰۱۵	.۰۰۱	.۰۳۷	-.۰۱۰	-.۰۳۰	.۰۶۴*	.۰۲۹	.۰۴۱	۱	
	(.۲۶۹)	(.۸۲۱)	(.۶۳۳)	(.۹۸۱)	(.۲۴۲)	(.۷۴۴)	(.۲۵۲)	(.۰۲۵)	(.۲۶۴)	(.۲۰۱)		
VS	.۰۲۲	.۰۱۶	.۰۳۹	-.۰۲۰	-.۰۲۲	-.۰۵۵	-.۰۸۰*	-.۰۹۴**	-.۰۴۳	.۰۰۳	-.۰۶۱	۱
	(.۴۶۰)	(.۶۱۴)	(.۲۵۵)	(.۵۲۱)	(.۴۸۸)	(.۰۸۲)	(.۰۱۲)	(.۰۰۲)	(.۱۸۰)	(.۹۲۵)	(.۰۵۲)	

*. معناداری در سطح ۵ درصد

**. معناداری در سطح ۱ درصد

۷- نتایج پژوهش

الف: آزمون مقایسه میانگین متغیرهای پژوهش بر اساس نوع تغییر در حسابرسان

برای ارزیابی اولیه از تأثیر تغییر حسابرسان بر حق الزحمه حسابرسان، ابتدا به مقایسه میانگین حق الزحمه حسابرسان و متغیرهای تأثیرگذار بر آن میان شرکت‌های دارای تغییر حسابرسان و بدون تغییر حسابرسان (جدول شماره ۳) و همچنین میان شرکت‌هایی دارای تغییر اجباری حسابرسان و تغییر اختیاری حسابرسان (جدول شماره ۴) پرداخته شده است. نتایج مقایسه میانگین متغیرها در جدول شماره ۳ نشان می‌دهد اگرچه تفاوت معناداری میان حق الزحمه حسابرسان در شرکت‌های با و بدون تغییر حسابرسان وجود ندارد ولی شرکت‌های با تغییر حسابرسان از نظر اندازه بزرگتر، اهرم مالی کمتر و به میزان کمتری توسط سازمان حسابرسان، حسابرسان شده‌اند. طبق نتایج جدول ۴ از تعداد کل تغییر حسابرسان در نمونه پژوهش، ۶۷ درصد دارای چرخش اختیاری و ۳۳ دارای چرخش اجباری (ناشی از دستورالعمل سازمان بورس) بوده‌اند. نتایج مقایسه میانگین حق الزحمه شرکت‌های با تغییر اختیاری و اجباری حسابرسان، نشان می‌دهد که میانگین حق الزحمه حسابرسان در شرکت‌های با تغییر اختیاری حسابرسان حدود ۳۳ درصد بیشتر از شرکت‌های با تغییر اجباری حسابرسان است. مقایسه میانگین سایر متغیرهای تأثیرگذار بر حق الزحمه حسابرسان میان این ۲ گروه شرکت‌ها نشان می‌دهد

که شرکتهای دارای تغییر اختیاری حسابرس، دارای نسبت سودآوری بالاتر (نشان دهنده حق الزحمه کمتر) و همچنین دوره مالی آنها بیشتر منتهی به پایان اسفند (نشان دهنده حق الزحمه بالاتر) نسبت به شرکتهای دارای تغییر اجباری حسابرس هستند. این تفاوتها نشان میدهد که شواهد یکسانی در خصوص اینکه شرکتهای دارای تغییر اختیاری حسابرس، باید دارای حق الزحمه حسابرسی بالاتری باشند، وجود ندارد. در بخش تجزیه و تحلیل چند متغیره، اثر این متغیرها در بررسی ارتباط میان تغییر اجباری حسابرس و حق الزحمه حسابرسی، مورد کنترل قرار خواهد گرفت.

جدول (۳)، آزمون مقایسه میانگین شرکتهای با تغییر حسابرس و سایر شرکتهای نمونه

	Mean $n=۸۶۳$	Mean $n=۱۲۱$	Diff	t-stat	Sig.
CR	۱/۳۳	۱/۴۲	-۰/۰۸	۰/۵۸	-۰/۵۷
REC	-۰/۲۹	-۰/۳۰	-۰/۰۱	۰/۵۶	-۰/۵۷
INVA	-۰/۲۳	-۰/۲۲	-۰/۰۱	-۰/۴۷	-۰/۶۴
FGA	-۰/۰۳	-۰/۰۳	-۰/۰۰	۰/۱۰	-۰/۹۲
LEV	-۰/۸۴	-۰/۷۱	-۰/۱۳	-۱/۶۶	-۰/۱۰
ROA	-۰/۳۳	-۰/۳۸	-۰/۰۵	۱/۴۴	-۰/۱۵
RESTATE	-۰/۰۱	-۰/۰۲	-۰/۰۱	۱/۶۷	-۰/۱۰
IAO	-۰/۱۸	-۰/۰۵	-۰/۱۳	-۳/۶۹	-۰/۰۰
LOSS	-۰/۲۲	-۰/۲۰	-۰/۰۲	-۰/۵۲	-۰/۶۱
PEAK	-۰/۷۳	-۰/۷۹	-۰/۰۵	۱/۲۴	-۰/۲۲
SIZE	۱۲/۹۶	۱۳/۰۹	-۰/۱۳	۰/۸۶	-۰/۳۹
FEE	۴۴۰/۰۶	۴۳۸/۷۶	۱/۳۷	-۰/۰۳	-۰/۹۷۵

*توضیح تمام متغیرها در بخش مدل پژوهش ارایه شده است

جدول (۴). آزمون مقایسه میانگین تغییر اختیاری و اجباری حسابرسان

	Mean n=۴۰	Mean n=۸۱	Diff	t-stat	Sig.
CR	۱/۳۹	۱/۴۳	-۰/۰۳	-۰/۱۶	۰/۸۷
REC	۰/۲۸	۰/۳۱	-۰/۰۳	-۰/۹۴	۰/۳۵
INVA	۰/۲۳	۰/۲۲	۰/۰۱	۰/۳۵	۰/۷۳
FGA	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۱	۱/۶۶	۰/۱۰
LEV	۰/۷۹	۰/۶۸	۰/۱۱	۱/۵۱	۰/۱۳
ROA	۰/۲۹	۰/۴۲	-۰/۱۳	-۱/۹۸	۰/۰۵
RESTATE	۰/۰۳	۰/۰۱	-۰/۰۲	۱/۴۱	۰/۱۵
IAO	۰/۰۵	۰/۰۵	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۹۹
LOSS	۰/۲۸	۰/۱۶	۰/۱۱	۱/۴۹	۰/۱۴
PEAK	۰/۶۵	۰/۸۵	-۰/۲۰	-۲/۵۹	۰/۰۱
SIZE	۱۳/۲۹	۱۲/۹۹	۰/۳۰	۰/۹۸	۰/۳۳
FEE	۳۵۹/۸۷	۴۷۷/۲۴	۱۱۷/۳۷	۱/۸۶	۰/۰۶

ب- آزمون مدل پژوهش

در این بخش به ارائه یافته‌های آزمون فرضیه پژوهش پرداخته می‌شود. به منظور آزمون فرضیه پژوهش از مدل رگرسیون چند متغیره استفاده گردیده است. با توجه به نوع داده‌های مورد استفاده در این پژوهش (ترکیبی سال-شرکت)، یکی از مسائلی که باید در برآورد مدل رگرسیون مورد توجه قرار گیرد، مساله وجود خود همبستگی میان داده‌ها در طی زمان و همچنین داده‌های شرکتها در یک سال است (گجراتی ۲۰۰۳).

بر این اساس و مطابق پژوهشهای گذشته از روش تحلیل خوشه‌ای جهت تعدیل مقادیر خطای استاندارد مدل و تعیین سطح معناداری ضرایب رگرسیونی استفاده شده و نتایج در جدول ۴، ارائه گردیده است. نتایج اجرای مدل پژوهش نشان می‌دهد که مدل رگرسیون برآورد شده کاملاً معنادار است (مقدار آماره F برابر با ۲۵،۴۱ است که در مقایسه با سطح خطای ۵ درصد بیانگر معنی دار بودن مدل رگرسیون است). ضریب تعیین تعدیل شده مدل نشان می‌دهد که ۵۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل توضیح داده شده است. همچنین عامل تورم واریانس (VIF) برای متغیرهای پژوهش نیز کمتر از مقدار بحرانی ۵ است که نشان دهنده عدم وجود هم خطی چندگانه در مدل پژوهش است.

بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۵، ضریب متغیر تغییر اجباری حسابرس (FSwitch) برابر با (-۰,۰۴) که در سطح خطای ۵ درصد معنادار نیست. این نتیجه شواهد کافی برای عدم پذیرش فرضیه این پژوهش فراهم می‌آورد. عدم پذیرش فرضیه پژوهش نشان می‌دهد که سیاست چرخش اجباری حسابرسان موجب افزایش حق الزحمه شرکتها نشده است. این نتیجه با نتایج پژوهشهای قبلی که نشان دادند که تغییر اجباری حسابرس باعث کاهش حق الزحمه حسابرسی (هیلی ۲۰۰۵، ویلیام ۲۰۰۷، کاسترلو و همکاران ۲۰۰۴) و افزایش حق الزحمه حسابرسی (هوانگ و همکاران ۲۰۰۹، کاون و همکاران ۲۰۱۴) می‌گردد، همخوانی ندارد. یکی از دلایل عدم همخوانی این نتایج شرایط خاص حاکم بر بازار خدمات حسابرسی در ایران است. بازار خدمات حسابرسی در ایران بر خلاف سایر کشورها، یک بازار به شدت رقابتی است که این رقابت در پی ایجاد جامعه حسابداران رسمی ایران پدید آمده است. عزیزخانی و همکاران (۲۰۱۵) نشان دادند که افزایش رقابت در بازار عرضه خدمات حسابرسی با کاهش حق الزحمه حسابرسی همراه بوده است. این نتایج نشان می‌دهد که سیاست چرخش اجباری حسابرس در ایران بر خلاف ادعای مخالفین سیاست چرخش اجباری حسابرس، منجر به افزایش هزینه های حسابرسی صاحبکاران نشده است.

نتایج ضریب متغیر تغییر اختیاری حسابرس (Vswitch) مثبت (۰,۱۳) و معنادار در سطح خطای ۵ درصد است. مقدار مثبت و معنادار ضریب متغیر فوق نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که حسابرس خود را بصورت اختیاری تغییر داده اند، حق الزحمه بالاتری پرداخت نموده‌اند. این نتیجه با نتایج گزارش شده خصوص وجود رابطه مثبت میان تغییر اختیاری حسابرس و حق الزحمه حسابرسی در استرالیا (کراسل و فرانسیس ۱۹۹۹) و ایران (عزیزخانی و آقایی ۱۳۹۲) همخوانی دارد.

به استثنای نتایج ضرایب متغیرهای اهرم مالی (LEV) و بازده دارایی ها (ROA) نتایج سایر متغیرهای کنترل در مدل معنادار بوده و با نتایج پژوهشهای قبلی همخوانی داشته و در جهت پیش بینی شده است. این امر قابلیت اطمینان نسبت به کارایی مدل را افزایش می دهد. بطور مشخص، ضریب متغیر نوع حسابرس در مدل مثبت و معنادار بوده که نشان می‌دهد شرکت‌هایی که حسابرس آنها سازمان حسابرسی است، نسبت به سایر شرکت ها، حق الزحمه بالاتری پرداخت نموده‌اند. ضریب متغیر (LOSS) در سطح ۰,۰۵ معنادار و منفی بوده که نشان می‌دهد که حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌هایی که زبان گزارش نموده اند، نسبت به شرکت های سودآور - با ثابت فرض نمودن سایر عوامل - پایین تر است. ضریب متغیر اندازه شرکت (SIZE) مثبت و معنادار است. علاوه بر این، نتایج متغیرهای نسبت جاری، نسبت موجودی کالا به دارایی ها، نسبت مطالبات به دارایی ها و پیش پرداختهای خارجی در مدل مثبت و با اهمیت بوده که نشان از افزایش در حق الزحمه حسابرسی با افزایش در این متغیرها است. علاوه بر این، نتایج ضرایب متغیرهای سال مالی و صنعت (گزارش نشده) بیانگر آن است که ضرایب تمام متغیرهای سال مثبت و معنادار بوده‌اند. روند افزایشی در میزان حق الزحمه حسابرسی به دلیل افزایش نرخ تورم در طی دوره پژوهش است.

جدول (۵)، نتایج آزمون مدل پژوهش

Infee	Coef.	t	P>t	VIF
CR	-۰/۰۲۵	-۱/۹۲	۰/۰۵۵	۱/۲۷
REC	۰/۴۶۱	۳/۷	۰/۰۰۰	۱/۵۳
INVA	۰/۶۳۶	۴/۳۹	۰/۰۰۰	۱/۸۵
FGA	۰/۶۱۸	۱/۸	۰/۰۷۳	۱/۱۶
LEV	۰/۰۲۵	۰/۸۲	۰/۴۱۱	۲/۰۴
ROA	۰/۰۰۲	۰/۵۷	۰/۵۷۱	۱/۲۶
IAO	۰/۳۹۱	۷/۶۱	۰/۰۰۰	۱/۲۲
LOSS	-۰/۱۲۷	-۲/۴۱	۰/۰۱۶	۱/۶۵
PEAK	۰/۱۳۶	۲/۸۳	۰/۰۰۵	۱/۴۹
SIZE	۰/۲۴۲	۱۶/۱۱	۰/۰۰۰	۲/۲۶
FSWITCH	-۰/۰۴	-۰/۴۳	۰/۶۶۸	۱/۰۹
VSWITCH	۰/۱۳۷	۲/۱۲	۰/۰۳۴	۱/۰۷
CONS	۲/۶۶۲	۷/۱۱	۰/۰۰۰	-
Industry*	لحاظ شده			
Year*	لحاظ شده			
		۹۸۶	تعداد مشاهدات	
		۲۵/۴۱	آماره F	
		۰/۰۰۰	احتمال آماره F	
		۰/۴۹۸	ضریب تعیین تعدیل شده	

* به منظور کنترل تغییرات حق الزحمه حسابرسان در صنایع مختلف و نیز تغییرات آن در سال های موردنظر در این پژوهش، از متغیرهای مصنوعی فوق استفاده شده است.

۸- آزمونهای تکمیلی

با توجه به تغییرات عمومی شاخص قیمت کالا و خدمات در طی سالهای پژوهش و برای بررسی تأثیر کنترل بیشتر نرخ تورم بر نتایج گزارش شده قبلی، متغیرهای پژوهش بر اساس شاخص سطح عمومی قیمت های بانک مرکزی تعدیل و متغیرهای تعدیل شده بطور مجدد به مدل وارد شده و مدل بر آورد گردید. نتایج (گزارش نشده) نشان دهنده ی یکسان بودن روابط بین متغیرها از نظر جهت ارتباط و سطح معناداری با نتایج جدول ۵ است. این تشابه نشان دهنده پایداری نتایج گزارش شده

قبلی درخصوص تأثیر ارتباط میان چرخش حسابرس و حق الزحمه حسابرسی است.

۹- نتیجه گیری و پیشنهادها

در پی مصوبه سال ۱۳۸۶ سازمان بورس و اوراق بهادار در مورد چرخش اجباری حسابرسان، مخالفان اجرای چنین سیاستی را به عنوان یکی از عواملی که می تواند بر فرآیند کیفیت حسابرسی و همچنین بر هزینه آن اثرگذار باشد، معرفی نمودند. به همین جهت در این پژوهش به بررسی ارتباط بین تغییر اجباری حسابرس (ناشی از اجرای سیاست چرخش اجباری حسابرس) و نیز تغییر اختیاری آن با حق الزحمه حسابرسی پرداخته شده است. با استفاده از نمونه‌های متشکل از ۹۸۶ مشاهده از شرکت‌هایی که حق الزحمه حسابرسی را طی دوره زمانی ۱۳۸۵-۱۳۹۲ در گزارشهای مالی خود افشا کرده‌اند، نتایج پژوهش نشان داد که ارتباط معناداری میان سیاست چرخش اجباری حسابرسان و حق الزحمه حسابرسی وجود ندارد. این نتایج نشان می‌دهد که اجرای چنین سیاستی به افزایش هزینه حسابرسی، بعنوان یکی از دلایل مخالفان اجرای این سیاست، منجر نگردیده است.^{۳۰} این نتیجه با پژوهشهای اخیر نظیر هوانگ و همکاران (۲۰۰۹) و کاون و همکاران (۲۰۱۴) همخوانی ندارد. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که تغییر اختیاری حسابرس باعث افزایش هزینه حسابرسی شرکتها می‌گردد که با نتایج پژوهشهای پتی و کاگنسان (۱۹۹۶) و الری (۱۹۹۶) همخوانی دارد. با توجه به افزایش رقابت در بازار عرضه خدمات حسابرسی در ایران (عزیزخانی و همکاران ۲۰۱۵)، از آنجا که افزایش رقابت می تواند بر قیمت و کیفیت خدمات حسابرسی تأثیرگذار باشد، عدم وجود تأثیر چرخش اجباری حسابرس بر حق الزحمه حسابرسی در این پژوهش-بر خلاف انتظار- می تواند نشان دهنده این موضوع باشد که حسابرس جدید ممکن است با صرف وقت و زمان کمتر برای حسابرسی صاحبکار جدید در جهت حفظ سود مورد انتظار، گزارش حسابرسی با کیفیت پایین تری ارائه دهد. از آنجا که زمان زیادی از اجرایی شدن این قانون نمی‌گذرد، می توان این پژوهش را در زمره نخستین پژوهشهای دانست که به بررسی آثار اقتصادی این سیاست در ایران پرداخته است. نتایج این پژوهش در کنار پژوهشهایی که به بررسی تأثیر این سیاست بر کیفیت حسابرسی می‌پردازند، می تواند شواهد جامعی را در اختیار نهادهای سیاست گذار، حسابرسان و بازار سرمایه در خصوص اثربخشی چنین سیاستی برای ارتقا کیفیت حسابرسی قرار دهد.

با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد میشود در پژوهشهای آتی به بررسی اثرات اجرای سیاست چرخش اجباری حسابرس بر کیفیت حسابرسی و اینکه آیا اجرای چنین سیاستی تأثیری بر آرایه به موقع گزارش حسابرسی و نیز آرایه و انتشار به موقع صورتهای مالی داشته است، پرداخته شود. علاوه بر این، بررسی واکنش بازار سرمایه به سیاست چرخش اجباری حسابرس، می تواند زمینه مناسب دیگری برای پژوهش های آتی باشد. لازم به ذکر است عدم الزام افشا حق الزحمه حسابرسی در صورتهای مالی بوده محدودیتی بوده است که بر اندازه نمونه پژوهش تأثیر گذاشته است.

۱۰- پی‌نوشت‌ها

(Endnotes)

۱- تبصره ۲ ماده ۱۰ دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار مصوب

۱۳۸۶/۵/۸

- 2- Fresh look
- 3- AICPA
- 4- U.S. House of Representative 2013
- 5- Turner 2001
- 6- Client-specific rents
- 7- DeAngelo, 1981
- 8- GAO
- 9- Kown et al, 2014
- 10- Cuganesan 1996
- 11- Hoyle 1978
- 12- Morgan Stanley
- 13- Healy and Kim 2003
- 14- PricewaterhouseCopers 2002
- 15- Arel et al. 2005
- 16- Start-up costs
- 17- Deisa and Grioux 1992
- 18- Vanstraelen 2000
- 19- Davis et al. 2002
- 20- Stice 1991
- 21- Geiger and Raghunandan 2002
- 22- Carcello and Nagy 2004
- 23- Hoyle 1978
- 24- Petty and Cuganesan 1996
- 25- Learning curve
- 26- O'Leary 1996
- 27- Arrunada and Paz-Ares 1997
- 28- Bacconi 2002

۲۹- میانگین طول دوره تصدی حسابرسی در نمونه پژوهش برابر ۴٫۹۲ سال است که بیشتر از ۴ سال دوره چرخش اجباری مندرج در دستورالعمل سازمان بورس است با توجه به دوره زمانی نمونه پژوهش و نیز دوره زمانی اجرای دستورالعمل بورس از سال ۱۳۸۷، این میزان قابل توجیه است.

۳۰- طبق قانون Audit Integrity and Job Protection تصویب شده در اپریل ۲۰۱۳ مجلس نمایندگان، برای هیات نظارت بر حسابداری شرکتهای عام (PCOAB) الزامی نمودن چرخش

اجباری حسابرس ممنوع خواهد شد. در اتحادیه اروپا نیز در اپریل ۲۰۱۴، برای بنگاههای با منافع عمومی، چرخش اجباری حسابرس برای دوره ۱۰ ساله دوم مورد بررسی قرار گرفته و شروطی برای تمدید این دوره، نظیر شرکت در مناقصه یا دفتر حسابرسی مشترک مطرح شده است.

۱۱- منابع و مآخذ

- ۱- رجبی، روح اله و محمدی خشویی. (۱۳۸۷). هزینه های نمایندگی و قیمت گذاری خدمات حسابرسی مستقل، بررسیهای حسابداری و حسابرسی، ۱۵ (۵۳): ۳۵-۵۲.
- ۲- سازمان بورس و اوراق بهادار تهران. (۱۳۸۶). دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان، مصوب ۸/۵/۱۳۸۶ شورای عالی بورس و اوراق بهادار تهران.
- ۳- عزیزخانی، مسعود و آقابگی زینب. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین حق الزحمه ی حسابرسی، حسابرسی نخستین و سنوات آتی دوره ی تصدی حسابرسی در شرکت های پذیرفته شده در بورس و اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری، مقالات پذیرفته شده آماده انتشار.
- ۴- طبری، سیدحسین، رجبی، روح اله و شهبازی، منصوره (۱۳۹۰) رابطه نظام راهبری و حق الزحمه حسابرسی مستقل شرکتها، دانش حسابداری، ۴۲ (۵): ۷۵-۱۰۱.
- 1- American Institute of Certified Public Accountants (AICPA). (1997). In the Public Interest: A New Conceptual Framework for Auditor Independence. New York: AICPA.
- 2- AICPA. (1978). Commission Of Auditors Responsibilities: Report, Conclusions and Recommendations (Cohen Commission), NewYork.
- 3- Arel, B., R., G. Brody R.G., and Pany K. (2005). Audit firm rotation and audit quality. The CPA Journal, vol.75, no.1; 36-39.
- 4- Arrunada B. and Paz-Ares C. 1997. "Mandatory rotation of company auditors: A critical examination". International Review of Law and Economics, vol.17, no.1; 31-61
- 5- Azizkhani M., G. Shalier, and G. Monroe. (2015). The competitive pricing of audit serviceses in a non-Big 4 seting. Working paper: The Australian National University.
- 6- Bacconi, SDA Universita. (2002). Executive summary on the impact of mandatory audit rotation on audit quality and on audit pricing: The case of Italy. Unpublished Paper.
- 7- Cameran, M., Prencipe. A, Trombetta.M. (2008). Earnings management, audit tenure and auditor changes: does mandatory auditor rotation improve audit quality?. from <http://ssrn.com>
- 8- Caneghem, T.V. (2009). Audit pricing and the Big4 fee premium: evidence from Belgium. Managerial Auditing Journal. vol.25, no.2; 122-139
- 9- Carcello J.V. & Nagy A.L. (2004). Audit Firm Tenure and Fraudulent financial Reporting". Auditing. A Journal of Practice & Theory, vol.23, no.2; 55. 69.
- 10- Casterella, J. R., Francis, J. R., Lewis, B. L., & Walker, P. L. (2004). Auditor industry specialization, client bargaining power, and audit pricing. Auditing: A Journal of Practice & Theory, vol.23, no.1; 123-140.
- 11- Deis, D., and G. Giroux. 1992. Determinants of audit quality in the public sector.

The Accounting Review, vol. 67, no. 3: 462-479.

12- Desir, R., Casterella, J. R., & Kokina, J. (2013). A reexamination of audit fees for initial audit engagements in the post-SOX period. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, vol. 33, no. 2; 59-78.

13- Commission of the European Communities. (2012). Statutory Auditors, Independence in the EU: A set of Fundamental Principles. European Commission, Banking and finance, Auditing issues.

14- Chung H. (2004). Selective Mandatory Auditor Rotation and Audit Quality: an Empirical Investigation of Auditor Designation Policy in Korea. Working paper. Purdue University.

15- Craswell, A., and J. Francis. (1999). Pricing of initial audit engagement. *The Accounting Review* (April); 201-216

16- Davis, R., Soo, B., and Trompeter G. (2000). Auditor tenure, auditor independence and earnings management. Working Paper. Boston College. Boston, MA.

———, (2009). Auditor Tenure and the Ability to Meet or Beat Earnings Forecasts. *Contemporary Accounting Research*, vol. 26, no. 2; 517-48.

17- DeAngelo, L. (1981). Auditor independence, low balling, and disclosure regulator. *Journal of Accounting and Economics* (August); 113-127

18- DeFond, M. L., Francis, J. R., & Wong, T. J. (2000). Auditor industry specialization and market segmentation: Evidence from Hong Kong. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, vol. 19, no. 1; 49-66.

19- Dopuch, N., King R. R., and Schwartz R. (2001). An experimental investigation of retention and rotation requirements. *Journal of Accounting Research*, vol. 39, no. 1: 93-117.

20- Government Accountability Office (GAO). (2003). Required Study on the Potential Effects of Mandatory Audit Firm Rotation, Report to the Senate Committee on Banking, Housing, and Urban Affairs and the House Committee on Financial Services.

21- Government Accountability Office (GAO). (2008). Report to Congressional Addressees: Audits of Public Companies. Continued Concentration in Audit Market for Large Public Companies Does Not Call for Immediate Action.

22- Government Accounting Office (GAO). (2013). Continued concentration in audit market for large public companies does not call for immediate action, Available at: <http://www.gao.gov/products/GAO-08-163>.

23- Geiger M.A. and Raghunandan k. (2002). Auditor tenure and audit reporting failures". *Auditing: A journal of Practice & Theory*, vol. 21, no. 1; 585-612.

24- Gietzman M. B. and Sen P.K. (2002). Improving auditor independence through selected mandatory rotation". *International Journal of Auditing*, no. 6; 183-210

25- Gujarati, D.N. (2003). *Basic econometrics*. Fourth ed. New York: McGraw-Hill.

26- Gul, Ferdinand A., Bikki L. Jaggi, and Krishnan Gopal V. (2007). "Auditor independence: Evidence on the joint effects of auditor tenure and nonaudit fees." *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, vol. 26, no. 2; 117-142.

27- Hay, D.C., Knechel W. R. and Wong N. (2006). Audit fees: a meta-analysis of the effect of supply and demand attributes. *Contemporary Accounting Research*, vol. 23, no. 1; 141-191.

28- Healy, P. (2005). The challenges facing auditors and analysts in U.S. capital markets. The Saxe Lecture in Accounting. Delivered at Baruch College, New York, NY, April 4. Available at <http://newman.Baruch.Cuny.edu/DIGITAL/Saxe/saxe-2005/healy-05>

- 29- Healey, T. and Kim, Y. (2003). The Benefits of Mandatory Auditor Rotation”, Regulation, vol.26 no.3,10-11
- 30- Hoyle, J. (1978.) Mandatory Auditor Rotation: The Arguments and an Alternative”, Journal of Accountancy, vol.145,no.5; 69-78
- 31- Hirsch, J. (2002). Enron audit fees raises some brows. Los Angeles times (January 23): A1
- 32- Huang,H. , K. Raghunandan, D. Rama.(2009). Audit Fees for Initial Audit Engagements Before and after SOX. “.Auditing: A Journal of Practice and Theory (May); 171-190
- 33- Johnson, V. E., I. K. Khurana, and Reynolds J. K.(2002). Audit firm tenure and the quality of financial reports. Contemporary Accounting Research vol.19, no.no.4: 637–660.
- 34- Jubb, C.A., K.A. Houghton and S. Butterworth.(1996). Audit fee determinants: the plural nature of risk. Managerial Auditing Journal ,vol.11,no.3: 25-40.
- 35- Kwon Y., Youngdeok Lim and Roger Simnett. (2014). The Effect of Mandatory Audit Firm Rotation on Audit Quality and Audit Fees: Empirical Evidence from the Korean Audit Market. Auditing: A Journal of Practice & Theory ,vol.33,no.4; 167-196.
- 36- Liu, L., & Subramaniam, N. (2013). Government ownership, audit firm size an audit pricing: Evidence from China. Journal of Accounting and Public Policy,vol.32, no.2; 161-175.
- 37- Mansi.S.A,Maxwell.W.F. Miller. D.P.(2004). Does Auditor Quality and Tenure Matter to Investors ? Evidence from the Bond Market. Journal of Accounting Research 42 no.4;755-793.
- 38- Neimi, L. (2002). Do firms pay for audit risk? Evidence on risk premiums in audit fees after direct control for audit effort. International Journal of auditing ,vol. 6,no.1;37-51.
- 39- O’Leary C. (1996). Compulsory Rotation of Audit Firms for Public Companies? Accountancy Ireland
- 40- Palmrose ,Z.V. (1986) .Audit fees and auditor size: further evidence”, Journal of Accounting Research, vol.24, no.1; 97-110.
- 41- Petty, R., and Cuganesan, S.(1996) Auditor rotation: Framing the debate, Australian Accountant, no.5: 40-41
- 42- Securities Exchange Commission. (2000). Revision of the Commission’s Auditor Independence Requirements.
- 43- Simunic, D. (1980). The pricing of audit services: theory and evidence. Journal of Accounting Research, vol.18 , no.1;161-190.
- 44- Summer M.(1998).Does mandatory rotation enhance auditor independence”. Zeitschrift für Wirtschafts-u. Sozialwissenschaften, vol.11,no.8;327-359.
- 45- Stice, J.D. (1991). Using financial and market information to identify pre-engagements factors associated with lawsuits against auditors. The Accounting Review (July):516-533.
- 46- Thinggaard, F. and L. Kiertzner. (2008). Determinants of audit fees: evidence from a small capital market with a joint audit requirement. International Journal of Auditing vol.12, no.2;141-158.
- 47- Turner, L. (2002). Hearing on H.R. 3763- The Corporate and Auditing Accountability, Responsibility, and Transparency Act of 2002. U.S. House of Representatives, Committee on Financial Services. (March 13, 20;April 9). Washington, D.C.; Government printing Office.
- 48- Vanstraelen A.(2000). Impact of renewable long –term audit mandates on audit quality”. The European Accounting Review, no.9;419-443